

شبی در آرامگاه شیخ خرقان

آخرین سروده حاج عبدالله آرزو بر سر مزار شیخ خرقان

در سینه صد سلام و سرودش نهفته است
دُری گرانسنگ درودش نهفته است



آوای عشق رایحه‌ی رحمتِ خداست
در نای عشق هرچه دمد نعمتِ خداست



هو می زخم نشیده‌ی یاهو سروده ام
من با هوای جنت مینو سروده ام



گفتی که آدمی به عنایت معظم است
هر کس درین سرای درآید مکرم است



ایمان، نماد امن و امانِ دیانت است
اسلام، سایه سار سلام و صیانت است



مهر و وفا و معرفت ست در سرای تو
نورِ خدای مغفرت ست در سرای تو



شیخا! پیام پیر هرات ست بر لبم
مستغرم، چو آب حیات ست بر لبم



آیینتی به جانم از آیینه زار اوست
آوای عندلیب دلی مرغزار اوست



با پای دل به مهر سرای تو آمدم
مستانه سرفقط به هوای تو آمدم



امشب قرین خواجه‌ی خرقان شد دست دل
مهمان خوان و خانه‌ی ایشان شد دست دل



هر کس درین سرای چو پایید ایمن است
گرمؤمن و مجوسی و گبر و برهمن است



هر کس که در سرای دیانت قرار یافت
روشنترین نشیده‌ی باغ بهار یافت

